

□ زبان‌شناسی قرآن با صراحت نتیجه می‌دهد که کاربرد ظلمات به شکل جمع یعنی قرآن قایل به تکثر در انواع انحرافات است و لفظ نور به شکل مفرد حکایت از اعتقاد قرآن به حقانیت مسیر توحید و اسلام دارد.



□ بعثت پیامبر اسلام به منزله تکمیل ادیان الهی و اصلاح آنها بود، یعنی ادیان از تباین ذاتی و کثرت نازدودنی برخوردار نیستند.

□ مدعیان پلورالیزم معتقدند ادیان از حقانیت نسبی برخوردارند. در حالیکه در قرآن با صراحت تأکید شده است که پیروی از هر دینی غیر از اسلام مقبول نیست و موجب خسران و زیان در آخرت می‌شود.

ژرف‌اندیشی در مباحث و مفاهیم دینی و فلسفی از دیرباز مورد عنایت عقل کاوشگر و نقاد بشر بوده است. نگاه جدید و تجدید نظر در اندیشه‌های دینی راه و رسم دیرینه بشر بوده و حکایتی بی‌انتهاست که همچنان ادامه دارد. اندیشمندان مسلمان در طول تاریخ اندیشه، در هر مرحله‌ای از زمان نوآوریها و ابداعاتی مستقل و منفک از آرا دیگران داشتند. اما امروزه برداشتها و قرآتهای جدیدی از دین ارائه می‌شود که بسیاری از آنها متأثر از دیگران بوده و اندیشه‌هایی مستقل و محصولاتی تولید شده در فضای فکری و فرهنگی اسلامی نیستند. سعی بر این است که از فضای فرهنگی حاکم بر جوامع انسان محور، برای فرهنگ و اندیشه خدا محور - نسخه فرهنگی پیچیده شود. ما در دین پژوهی می‌توانیم فقط در بعد روشهای تحقیق و الگوهای پژوهش از دیگران بهره‌مند شویم. در بعد مایه‌های دینی نمی‌توان امدار و تابع دیگران شد زیرا که خود ما در این زمینه غنی‌تر از آنها هستیم. انتظار بهره‌وری از مایه‌های دین پژوهی غربی و مستشرقین و مفید واقع شدن آن در تفکر دینی اسلامی، همانند انتظار ما از تاپ یک نامہ فارسی بوسیله یک ماشین تاپ انگلیسی است. عملاً این موضوع به دلیل اختلاف ماهوی دو اندیشه غیر ممکن است. شالوده یک اندیشه خواست و میل متنوع بشری - و شالوده دیگری اراده الهی و

مشیت اوست. یکی از مباحثی که سوژه بهره‌گیری غیر اصولی از اندیشه‌های انسان مداری و اومانستی غرب در جامعه ما قرار گرفته است، بحث «پلورالیزم دینی» است. قائلین به این اندیشه بر این باورند که جهان، جهان کثرت و تنوع است و در هر پدیده‌ای بویژه در افکار و اندیشه‌های فلسفی و دینی و ادیان نمود و ظهور بیشتری دارد. در تکررگرایی و یا پلورالیزم دینی بحث از اثبات حق و باطل ادیان مطرح نیست. زیرا هر کدام از صاحبان ادیان به حد کافی ادله در اثبات حقانیت دین خود ارائه می‌دهند و نهایتاً موضوع به «تکافؤ ادله» منتهی می‌شود. در این نگرش هیچ دینی نمی‌تواند حقانیت خود را اثبات و بطلان دیگر ادیان را اعلام کند. اصحاب این دیدگاه بر این هستند که اعتقاد به حقانیت عقیده‌ای موجب گمراه دانستن اکثریت انسانهاست و این امر با هدایت الهی سازگار نیست. این جریان محدود فکری بر این دیدگاه هستند که در عین تکرر ادیان، این تکرر قابل تبدیل به وحدت نیست و به عبارتی دیگر تکرر نازدودنی است. در بعد حقانیت ادیان هم حکم به نفی و اثبات نمی‌کنند و به حقانیت پلورالی اعتقاد دارند و می‌گویند پلورالیزم با حقانیت پلورالی می‌خواند نه با حقانیت انحصاری. (۱)

ما در این مقاله بر این هستیم تا این آراء را با توجه به نگاه قرآن و ادبیات آن، بررسی کنیم. این دیدگاه بارها توسط فلاسفه مسلمان و اهل نظر به نقد کشیده شده است، اما سعی ما بر این است که با توجه به ادعای اسلامیت بعضی از طراحان آن، وارد قرآن شده و به عنوان اولین و قوی‌ترین سند اسلامی این اندیشه را در میزان آن قرار داده و سپس حکم نماییم.

## نگاه قرآن به پلورالیزم

قرآن اقیانوسی بی‌ساحل است، بدین لحاظ ادعا نمی‌کنیم هر آنچه را گفتیم اکمل و بی‌عیب است. از خداوند منان می‌خواهیم ما را در این وظیفه یاور باشد.

فبشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم اللہ و اولئک هم اولوالالباب. (۲) ای پیامبر (ص) بشارت ده به بندگان من که همه سخنان را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند اینان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده و اینان اهل تعقل هستند.

تفسیر «مجمع‌البیان»، قول در این آیه را شامل اقوال مختلف مردم، قول قرآن و غیر قرآن و قول قرآن و سنت می‌داند. (۳) تفسیر کشاف نیز قائل است که خداوند در این آیه خواسته که بندگان او نقاد در دین باشند و سره را از ناسره تمیز دهند و حریص باشند به اینکه آنچه به خداوند نزدیکتر است را پیروی کنند. (۴)

با توجه به تفاسیر و ادبیات حاکم بر قرآن چند نکته قابل توجه است: ۱- ال در القول، ال استفراق جنس است و همه دیدگاهها که در قالب سخن ابراز می‌شود را در برمی‌گیرد. ۲- خداوند

قائل به دیدگاههای متفاوت بوده و ترغیب به شنیدن آنها می‌کند. ۳- هدف از شنیدن اقوال مختلف انتخاب دیدگاه برتر و بهتر است. ۴- اندیشه برتر و شناخت و پیروی از آن، درجه‌ای از اهمیت را داراست که خداوند بندگان را به آن بشارت می‌دهد. ۵- یکی از مفاهیم ادبی ضمیر فصل «اختصاص» بوده و کاربرد مفهوم اختصاص در پهنه ادبیات قرآنی بسیار فراوان است. خداوند با ذکر «الذین» که تقریباً نقش ضمیر فصل را بازی می‌کند و ضمیر «هم» در این آیه تأکید کرده که فقط کسانی که همه سخنان را می‌شنوند و از برترین آنها پیروی می‌کنند توسط خداوند هدایت شده و صاحبان عقل هستند.

کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور (ای پیامبر (ص) این قرآن کتابی است که آن را به تو نازل کردیم تا اینکه مردم را از تاریکیها خارج کنی و به سوی نور درآوری.

توجه در این آیه چندین نتیجه محوری دارد که کارگشای بحث ماست. ۱- کتاب قرآن میزان هدایت بشر و وسیله خروج مردم از گمراهی‌ها به سوی هدایت و توحید است. ۲- قرآن کریم مبین و مفسر و مجری دارد که آن پیامبر است. ۳- در ادبیات قرآن «ظلمات و نور» در این آیه استعاره‌ای برای گمراهیها و هدایت هستند. ۴- خداوند «پلورالیزم» را در بعد منفی و انحرافی آن می‌داند و قائل به حقانیت توحیدی است.

زبان‌شناسی قرآن با صراحت نتیجه می‌دهد که کاربرد «ظلمات» به شکل جمع، یعنی اینکه قرآن قائل به تکرر در انواع انحرافات است و لفظ «نور» به شکل مفرد حکایت از اعتقاد قرآن به حقانیت مسیر توحید و اسلام دارد.

الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور (خداوند ولی کسانی است که ایمان آورده‌اند،

آنها را از گمراهیها خارج می‌کند و به سوی نور رهنمون می‌شود.

در این آیه چند موضوع قابل عنایت است: ۱- خداوند ولی و راهنمای مؤمنان است، کما اینکه ولی کافران طاغوت است. (۵) اما خداوند مولایی است که هم راه را به مؤمنان نشان می‌دهد و هم آنها را به هدف می‌رساند. ۲- کسانی که ایمان آورند خداوند آنها را از انواع گمراهیها خارج و به نور هدایت می‌کند، کما اینکه طاغوت افراد را از هدایت به انواع گمراهیها و شبهات می‌برند. ۳- مسأله اساسی آیه تأیید تکرر در انحراف و گمراهی برای کافران و اثبات هدایت و توحید برای مؤمنان است. تفاسیر مذکور (مجمع و کشاف) نیز تأکید بر این دارند که همانگونه که ظلمت مانع از دیدن اشیا مژمی می‌شود، کفر و گمراهی هم مانع از فهم و ادراک حق می‌شود. در این آیه نیز نگاه قرآن به تکررگرایی در بعد منفی و پلورالیزم در انحرافات است.

و لقد ارسلنا موسی بایاتنا ان اخرج قومک من الظلمات الی النور و ذکرهم بایام الله (۶) «موسی را با معجزات و دلایل خود فرستادیم و به او گفتیم که قوم خود را از گمراهیها خارج کن و به سوی نور رهنمون شو و سرگذشت دورانهای گذشته را به آنان متذکر شو.

در این آیه چند مسأله شایان توجه است: ۱- پیامبر خدا برای هدایت مردم و ارائه طریق به معجزات و دلایل مسلح است. ۲- خداوند با صراحت امر می‌فرماید که پیامبر خدا گمراهان را از انحرافات به توحید هدایت کند و در حالی که اصحاب پلورالیزم قائلند که چون عقیده برتر نداریم، وظیفه تبلیغ اسلام از ما سلب می‌شود. ۳- با ذکر «ظلمات» و «نور» برای چندمین بار ثابت می‌شود که پلورالیزم قرآنی در بعد گمراهیها و انحرافات است و هدایت الهی و راه حق و راه پر فروغ یکی بیش نیست. ۴- تذکر سرنوشت اقوام گذشته حاکی از این است که بقای بر کفر و انحراف موجب تباهی یک ملت می‌شود. ۵- در ادبیات قرآن کاربرد الفاظ مفاهیمی خاص دارد که نمی‌شود از آن غافل شد. ظلمات که مظهر انواع گمراهیهای فکری و انحرافات اخلاقی است، همیشه جمع به کار رفته است و نور که نمادی از هدایت الهی در مسیر توحید و یکتاپرستی و راه حق است، همیشه مفرد به کار می‌رود. قطعاً ورود در اقیانوس زبان‌شناسی قرآن ثمرات گرانبهایی در پی خواهد داشت که البته این موضوع فرصت دیگری را می‌طلبد.

یا اهل الکتاب قد جاءکم رسولنا بیین لکم کثیرا مما کنتم تخفون من الکتاب و یعضو عن کثیر قد جاءکم من الله نور و کتاب مبین یهدی به الله من اتباع رضوانه سبل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور باذن و یهدیهم الی صراط مستقیم (۷)

«ای اهل کتاب یقیناً پیامبر ما (محمد (ص)) به سوی شما آمده تا بسیاری از احکام تحریف شده کتب شما را تبیین کند و از بسیاری احکام نیز صرفنظر کرده. از جانب خداوند نور هدایت (محمد (ص)) و قرآن مبین برایتان آمده است. خداوند بوسیله قرآن (یا پیامبر اکرم (ص)) هدایت

می کند کسی را که به دنبال رضای خداوند و راه او باشد. و این قرآن (یا پیامبر) آنها را از گمراهی ها خارج و به سوی نور رهنمون می شود و آنها را به راه حق که دین اسلام است، هدایت می کند.

در این آیات نکات بسیار مهم و دقیقی قابل ملاحظه است. از جمله: ۱- تباین ذاتی ادیان به عنوان یکی از دستاویزهای اصحاب عقیده پلورالیزم دینی با این آیه نفی و بطلان آن ثابت می شود. زیرا بعثت پیامبر اسلام به منزله تکمیل ادیان الهی و اطلاق آنها بود. این مسأله دلالت بر این دارد که مسیر و مجری ادیان یکی است و از تباین ذاتی و کثرت نازدودنی برخوردار نیستند. ۲-

پیامبر میزان احکام و حق و باطل ادیان است. ۳- پیامبر (ص) عین نور و هدایت الهی است و تمسک به او تمسک به راه خداست. ۴- هدایت الهی با قرآن و پیامبر (ص) کامل می گردد و هر دو معیارند. ۵- به رغم اصحاب پلورالیزم که می گویند چگونگی است که اکثریت مردم دنیا جاهلند و گمراه و ما مسلمین و بویژه شیعیان هدایت شده ایم، خداوند با صراحت می فرماید که قرآن و پیامبر کسانی را هدایت می کنند که طالب رضای حق و خواستار مسیر او باشند. ۶- در این آیه نیز فرهنگ و ادبیات و زبان شناسی قرآن مؤید وحدت راه حق و منکر حقانیت پلورالی است و تکثر در بعد گمراهی ها و انحرافات را تأیید می کند. ۷- پیامبر انسانها را به اذن و اراده خداوند از تاریکی ها خارج می کند و به سوی نور ایمان و هدایت، رهنمون می شود، اما عامل جلب توجه خداوند و مشمول عنایت خداوند شدن در گرو اراده خود انسان است. ۸- «صراط مستقیم» در تفاسیر معتبر از جمله «مجمع البیان»<sup>(۸)</sup> به دین اسلام تفسیر شده، در حالی که بسیاری از اصحاب پلورالیزم برای توجیه دیدگاههای خود و اثبات حقانیت پلورالی و متکثر می گویند که «صراط مستقیم» یکی از راههای حق و اینگونه توجیه می کنند که نکره در ادبیات عرب افاده عموم می کند مسأله دیگر اینکه «صراط مستقیم» در چند مورد در قرآن با «ال» معرفه به کار رفته و در مواردی هم که به صورت نکره آمده، عمدتاً مفسرین بزرگ (که خود ادیب عربی هم بودند) آن را به راه حق با قید اسلام تعبیر و تفسیر می کنند.

والذین کذبوا بآياتنا صم بکم فی الظلمات (۹) و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند کران و لالانی غوطه ور در جهل و گمراهی ها هستند.

نکات مهم آیه چنین است: ۱- منکرین آیات حق، مانند افراد کر و لال هستند. این افراد یا چیزی را نمی فهمند و یا اگر هم بفهمند قادر به بیان آن نیستند. قطعاً چنین افرادی توان درک آیات الهی را ندارند. ۲- این افراد کر و لال در وادی کفر و جهل و انواع گمراهی و انحراف غوطه ور هستند.

۳- در این آیه پلورالیزم قرآنی در بعد گمراهی ها و انحرافات برای بار چندم تکرار و تأیید شده است. کمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها<sup>(۱۰)</sup>

در این آیه نیز کافر بسان انسانی فرض شده که غرق در اعماق تاریکی هاست و توان خروج از آن را ندارد، یا راه خروج را نمی داند و اگر هم بداند، او تمام نیرو و توان خود را در تاریکی ها و گمراهی ها صرف کرده و اکنون قدرت خروج را ندارد. در این

آیه نیز قرآن قائل به تکثر در گمراهی ها و جهل و کفر و انحراف است.

هوالمذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور<sup>(۱۱)</sup> «و خداوند است که شما را می بخشد و ملائکه شما را دعا می کنند و از خداوند می خواهند تا شما را از جهل و کفر خارج و به معرفت خود رهنمون کند».

موارد مورد عنایت آیه به قرار ذیل می باشد: ۱- خداوند طالب معرفت و بخشش انسان است. ۲- این افراد کر و لال در وادی کفر و جهل و انواع گمراهی و انحراف غوطه ور هستند. ۳- «ظلمات» در اینجا جهل به حقیقت خداوند و تنیدن انسان در اندیشه های باطل و بی اساس و «نور» به معنی معرفت خداوند و هدایت در راه اوست. ۴- در این آیه نیز وحدت راه حق اثبات و حقانیت پلورالی انکار شده و برای باطل فروع متعددی قید شده است. (گمراهی ها شیوه ها و شعبه های دارد).

هوالمذی ینزل علی عبده آیات بینات لیخرجکم من الظلمات الی النور<sup>(۱۲)</sup>

«خداوند کسی است که بر بنده خود (پیامبر اکرم (ص)) دلایل روشن و براهین واضحی را فرستاد تا اینکه شما را از کفر خارج و به ایمان هدایت کند».

نکات مورد توجه آیه در چند مورد است: ۱- پیامبر اکرم (ص) اول به عبودیت می رسد و سپس از دلایل و براهین الهی برای رسالت خود در هدایت بندگان بهره مند می شود. ۲- خروج بشر از کفر و جهالت به ایمان و نور هدایت، با براهین و ادله الهی توسط پیامبر انجام می شود. ۳- ذکر «ظلمات» که استعاره است برای جهل و انواع گمراهی و «نور» برای هدایت الهی مؤید ادبیات خاص حاکم بر قرآن و مؤکد بر مباحث سابق در تأیید تکثر قرآن در بعد منفی آن است. رسولاً یتلوا علیکم آیات الله مبینات لیخرج الذین آمنوا و عملوا الصالحات من الظلمات الی النور<sup>(۱۳)</sup> «پیامبر (ص) بر شما آیات واضح و روشن را می خواند تا اینکه مؤمنان و اهل عمل صالح را از تاریکی های کفر خارج و به نور ایمان هدایت کند».

نکات مهم آیه چنین است: ۱- پیامبر (ص) آیات روشن الهی را برای بشر می خواند. ۲- کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند مصداق و موضوع هدایت پیامبر قرار می گیرند. ۳- کفر به ظلمت تشبیه شده است، زیرا منتهی به تاریکی قبر و جهنم می شود. ایمان هم به نور تشبیه شده چون به نور در قبر و قیامت و بهشت منتهی می شود. ۴- این آیه نیز مصداق انحراف و کفر را جمع تلقی کرده و راه ایمان و حق را مفرد آورده است.

و ما یستوی الاعمی و البصیر و لا الظلمات و لا النور<sup>(۱۴)</sup> «و کور و بینا و تاریکی ها و نور مانند هم نیستند».

مصداق این آیه چند مورد است: ۱- اعمی و بصیر استعاره برای مشرک و مؤمن است و همانگونه که فرد نابینا اشیاء را نمی بیند، مشرک و کافر هم از رؤیت حقایق عاجزند و مؤمن مانند فرد بینا همه چیز را می بیند. ۲- در فرهنگ و ادبیات قرآن «ظلمات» و «نور» استعاره برای گمراهی ها و هدایت است و کاربرد انحرافات بصورت جمع و هدایت بصورت مفرد بار معنایی قابل توجهی دارد. نکته

دیگر اینکه خداوند از یک شیء معلوم و مرئی برای بشر مثالی مجرد و نامحسوس زده است، کور و بینا برای مشرک و مؤمن و ظلمت ها و نور برای گمراهی ها و هدایت، این شیوه از لحاظ زبان شناسی بهترین راه القا حقایق نامحسوس و مجرد است. مسأله بعد، باز قرآن تکثر در گمراهی ها و مشرک و کفر و نفاق و ... را پذیرفته و بر وحدت راه حق و هدایت که همان راه اسلام است، صحنه گذاشته است.

۳- مسأله بسیار مهم و اساسی این آیه نفی حقانیت پلورالی و نسبی حقایق است. قائلان به حقانیت پلورالی می گویند هیچ اندیشه افضل و برتری وجود ندارد. اما خداوند با این آیه با صراحت تمام مسیر حق و باطل را تعیین کرده و به وضوح اندیشه برتر را تأیید نموده است.

باز آیه ای داریم تقریباً بسیار نزدیک به آیه مذکور که مؤید و مؤکد بر آیه فوق است. قل هل یتسوی

## □ آیه ان الدین عندالله الاسلام با صراحت اندیشه پلورالیسم را نفی و حقانیت دین اسلام را به انحصار تأیید می کند.

الاعمی و البصیر ام هل تستوی الظلمات و النور<sup>(۱۵)</sup> بطلان حقانیت پلورالی در قرآن در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که مؤید اندیشه برتر و منکر حقانیت پلورالی است. اینک به چند نمونه اشاره می شود.

ان الذین عندالله الاسلام<sup>(۱۶)</sup> «مسلمانان که دین مقبول نزد خداوند اسلام است».

تفسیر «مجمع البیان» در این آیه دین را به طاعت تفسیر کرده است. بنابراین مفهوم آیه چنین است که طاعت مقبول درگاه الهی طاعت است که در حوزه و دامنه اسلام صورت پذیرد. اسلام باید کائنات عقاید و اخلاق و اعمال فرد متدین باشد تا مقبول خداوند واقع شود این آیه با صراحت حقانیت پلورالی را نفی و حقانیت دین اسلام را به انحصار تأیید می کند. لازم به توضیح است که منظور از حقانیت انحصاری اسلام این نیست که پیروان همه ادیان الهی غیر از اسلام، اهل شقاوت و دوزخ هستند. ممکن است بر کسی اتمام حجت نشده باشد و اسلام را نشناسد اما در دین خود خلوص داشته و واقعاً هم گمان کند که مسیر حق را طی می کند و اگر حق الناسی هم بر عهده او نباشد هر چند که در اعمال عبادی او یا در رابطه بین بنده و خداوند کوتاهی هایی نیز داشته باشد، ممکن است مورد لطف و آموزش الهی قرار گیرد. ولی این امر دال بر حقانیت دین او نیست. یا افراد می توانند

هر کدام راهی و شیوه‌ای را برای رسیدن به خداوند برگزینند، این امر نیز مؤید و توجیه کننده حقانیت پلورالی نیست. راه‌های رسیدن به خداوند ممکن است به عدد خلایق و انسانها باشد اما اگر هدف همه راهها خداوند باشد نهایتاً به یک مسیر منتهی می‌شوند و آن، مسیر توحید و هدایت الهی است که در آیات بررسی شده تحت عنوان «نور» مطرح گردید.

در نهج البلاغه نیز تعبیر بسیار زیبایی داریم که مؤید بحث ماست. امام علی (ع) می‌فرماید: «فمن یتبع غیر الاسلام دینا تتحقق شقوته و تنفصم عروته و تعظم کبوته و یکن ما به الی الحزن الطویل و العذاب الویل»<sup>(۱۷)</sup>

هر کسی دینی را جز اسلام پیروی کند شقاوت او حتمی است و پیوند او با خداوند گسسته می‌شود و لغزش و سقوط او بزرگ خواهد شد و او دچار غمی طولانی و عذابی دردناک خواهد شد.

نهج البلاغه به عنوان تفسیر قرآن به زبان علی (ع) است و از لحاظ مفاهیم دینی و ادبی و اجتماعی مورد عنایت تمام دانش پژوهان عالم است. شایسته بود که از این کتاب عظیم - که به حق اقیانوسی دیگر است - به عنوان نائب قرآن اشاره‌ای بنماییم.

در این کلام چند نکته دینی و اجتماعی قابل فهم و برداشت می‌باشد:

۱- در درجه اول مؤید و پشتیبان سخن قرآن است و به حقانیت انحصاری اسلام صراحت دارد.

۲- کسی که غیر اسلام را برمی‌گزیند به خاطر قطع پیوند با خداوند شقاوت و تبهکاری و تباهی او حتمی است. ۳- چنین فردی سقوط و انحراف او حتمی و محقق است و فرد غیر مسلمان نمی‌تواند ادعای صراط مستقیم را بنماید. ۴- از لحاظ روانی هم گرفتار اضطراب و تشویش خاطر و عدم اطمینان روحی و هم و غم می‌شود و این مسأله در رفتار اجتماعی او نیز بشدت اثر می‌کند. ۵- در قیامت نیز گرفتار عذاب دردناک می‌شود و عاقبت بدی را در پی خواهد داشت. ۶- در این کلام گهربار با صراحت تمام حقانیت متکثره پلورالی به جدل و بطلان کشیده می‌شود.

و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً<sup>(۱۸)</sup> نعمت خودم را بر شما به اتمام رساندم و اسلام را به عنوان دین برای شما قبول نمودم.

این آیه به نظر بسیاری از مفسرین از جمله طبرسی صاحب «مجمع البیان» در روز عرفه سال حجة الوداع بر پیامبر اسلام (ص) نازل شده است. مفسرین بر این عقیده هستند که وقتی پیامبر اسلام (ص) حدود و ثغور و احکام دین را تبیین فرمود و ولایت علی (ع) را اعلام کرد، خداوند بر کمال دین اسلام و اتمام نعمت خود صحه گذاشت. این آیه مهمترین اشاره‌ای را که برای ما دارد، نگاه خداوند به دین اسلام به عنوان دین مقبول و اکمل است؛ دینی که با ولایت کامل می‌شود. خداوند کریم در این آیه، دین مورد رضایت خود را اسلام اعلام کرده و به حقانیت آن اشاره کرده است.

و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین<sup>(۱۹)</sup> «هر کسی دینی به جز اسلام را پیروی و تعقیب کند از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است».

مدعیان پلورالیسم دینی و قائلان به حقانیت

پلورالی همه ادیان الهی و گاهی حتی غیر الهی را نیز مقبول خداوند می‌دانند و به حقانیت نسبی ادیان قائلند، در حالی که خداوند با صراحت تمام در این آیه تأکید می‌کند که پیروی از هر دینی غیر از اسلام مقبول نیست و موجب خسران و زیان در آخرت می‌شود. فمن یردالله ان یمهدیه یشرح صدره للاسلام<sup>(۲۰)</sup> «هر کسی را که خداوند بخواهد هدایت کند سینه‌اش را برای پذیرش اسلام می‌گشاید».

این آیه نیز صراحت دارد که هدایت و در طریق حق بودن، به شرط پذیرش اسلام است. خداوند وقتی می‌خواهد بنده‌ای را برای هدایت در مسیر حق مهیا کند وجود او را برای قبول اسلام به عنوان دین حق و اندیشه برتر آماده و مساعد می‌کند. افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه<sup>(۲۱)</sup> «کسی که برای اسلام، خداوند به او شرح صدر عطا فرموده و به نور الهی مجهز و منور است با کافران یکسان است؟»

پذیرش اسلام و تسلیم اوامر و نواهی آن شدن دل‌های پاک‌ی را می‌طلبد برغم دیدگاه مذاق‌ان پلورالیسم دینی که انکار حقانیت پلورالی معادل است با گمراه دانستن اکثریت مردم جهان، در این آیه خداوند اولاً حقانیت پلورالی را انکار می‌کند و ثانیاً خداوند افرادی که دل‌هایشان برای پذیرش اسلام مهیا شده و به آنها شرح صدر داده را با معاندین و کفار و مشرکین و کسانی که بر اثر گناه زیاد دل‌هایشان سنگ شده است را مساوی ندانسته است و این خود تأیید حقانیت انحصاری اسلام و نفی تکثرگرایی است و در نتیجه تأیید اندیشه برتر هم در محتوی این آیه نهفته است.

شرح صدر بشر برای پذیرش اسلام با لطف خداوند به سه شیوه میسر است: ۱- برخورداری از قدرت ادله. ۲- الطاف الهی که هر آینه در حال تجدید شدن هستند. ۳- تثبیت ادله در فرد و از بین رفتن انواع شبهات.

از لحاظ ادبی نیز خداوند در این آیه ادله را به نور تشبیه کرده است.

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون<sup>(۲۲)</sup> «خداوند است که پیامبر خود (محمد ص) را با هدایت و دین حق فرستاد تا دین اسلام را بر همه ادیان بوسیله ادله برتری دهد هر چند که مشرکان ناخشنود باشند».

این آیه مسائلی چند را شامل می‌شود: ۱- خداوند پیامبر اسلام (ص) را با سلاح توحید و هدایت بندگان و دین اسلام برای اتمام مأموریت دینی انبیا و وحدت همه ادیان در قالب اسلام فرستاد. ۲-

با لفظ «دین الحق» حقانیت انحصاری اسلام صد درصد تأیید می‌شود زیرا با رجوع به همه تفاسیر و ادله عقلی و نقلی و ادبی «دین الحق» در این آیه جز اسلام نیست. ۳- در ضمن تأیید حقانیت اسلام نفی پلورالیسم دینی نیز در آیه نهفته است. زیرا عبارت بعد از «دین الحق» مؤید این مطلب است.

۴- استعلا و برتری اندیشه اسلام بر ادیان و اندیشه‌های دیگر با «لیظهره علی الدین کله» ثابت می‌شود. ۵- نکته بسیار حائز اهمیت از لحاظ روان‌شناسی اینکه در طول تاریخ حرکت دینی انبیا گروهی از افراد به دلیل الودگی روحی و اخلاقی و فکری با حرکت انبیا مخالفت کرده و از پذیرش حقایق الهی روی گردان شدند. مقابله با پیامبر

اسلام و دین حق عمدتاً با همین انگیزه روانی صورت می‌گرفت. آنها می‌گفتند چرا ما از فردی که مثل خودمان است اطاعت کنیم؟ او چه امتیاز و برتری بر ما دارد؟ امروزه نیز مقابله جریان سکولار و لیبرال در ایران با اندیشه‌های ناب اسلامی و تعدی آنها به حریم مقدسات اسلام و معصومین (ع) و تضعیف ولایت فقیه ریشه در همان مسایل تاریخی دارد که می‌توان در چند قسمت بیان کرد:

۱- روح تخریب شده انسانی و وجود طماع بعضی افراد سلامت و صفای اسلام و حاکمیت آن را بر نمی‌تابد. ۲- از لحاظ روانی و روانکاوی شخصیت این افراد باید گفت که اینها گرفتاری نوعی خودبزرگ‌بینی کاذب بوده و دقیقاً همان حرف عرب‌های جاهلی را در قالبی زیبا و شیطانی و با افسون الفاظ تکرار می‌کنند و غلبه و سیطره اسلام بر ادیان دیگر را نمی‌پسندند. در یک روانکاوی دقیق ایشان با ولایت‌پذیری از صدر تا ذیل مشکل دارند. مشکل این جماعت با ولایت فقیه و مصداق آن نیست، مشکل بحران روحی در پذیرش ولایت خداوند و پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) است. این موضوع براحتی در نوشته‌ها و ایراداتشان متجلی است. در نتیجه در این نوشتار بوضوح ثابت گردید که قرآن به اصل وجود تکثر اندیشه‌ها قائل است. اما به حقانیت پلورالی اعتقادی ندارد و بر عکس به حقانیت خاص اسلام عقیده دارد. دعوت قرآن به بهره‌گیری از اندیشه‌ها نه از باب تساهل و تسامح و گذشت از ارزشهای اسلامی و التقاط فکری است بلکه به قصد انتخاب اندیشه برتر و تبلیغ آن است. پلورالیسم قرآن در بعد گمراهی‌ها و انحرافات است و به اندیشه‌های متکثره به عنوان حق نسبی نمی‌نگرد. اشکال عمده پلورالیسم سیال و بی‌ثبات بودن و بی‌اعتقادی به حقانیت یک دین خاص است.

- پی نوشت:
- ۱- مناظره سروش و کلیدور درباره پلورالیسم، ناشر روزنامه سلام، چاپ اول بهار ۱۳۷۸ ص ۵۷
  - ۲- قرآن کریم، سوره زمر، آیات ۱۷-۱۸
  - ۳- مجمع البیان، الطبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن، بیروت - لبنان، دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ ۱۹۸۶ م. ج ۸- ص ۷۸ ص ۷۷
  - ۴- الکشاف، الزمخشری، محمود بن عمر، بیروت - لبنان، دارالکتاب العربی، چاپ سوم ۱۴۰۷ هـ ۱۹۸۷ م. ج ۴ ص ۱۲۰
  - ۵- طاغوت هر معبودی در عرض خداوند است.
  - ۶- قرآن کریم، سوره ابراهیم آیه ۵
  - ۷- قرآن کریم، سوره مائده، آیات ۱۵-۱۶
  - ۸- مجمع البیان، الطبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن، بیروت - لبنان، دارالمعرفة، چاپ اول ۱۴۰۶ هـ ۱۹۸۶ م. ج ۳- ص ۲۷۰
  - ۹- قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۳۹
  - ۱۰- قرآن کریم، سوره انعام آیه ۱۲۲
  - ۱۱- قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۲۳
  - ۱۲- قرآن کریم، سوره حدید آیه ۹
  - ۱۳- قرآن کریم، سوره طلاق آیه ۱۱
  - ۱۴- قرآن کریم، سوره فاطر، آیه ۲۰
  - ۱۵- قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۱۶
  - ۱۶- قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۹
  - ۱۷- المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، محمدی کاظم و دشتی محمد، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۷ هـ. ص ۵۶ خطبه ۴-۱۶۱
  - ۱۸- قرآن کریم، سوره آل عمران آیه ۱۹
  - ۱۹- قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۸۵
  - ۲۰- قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۱۲۵
  - ۲۱- قرآن کریم، سوره زمر، آیه ۲۲
  - ۲۲- قرآن کریم، سوره صف، آیه ۹